

حمله رژیم صهیونیستی به قطر، درستی هشدارهای ایران به کشورهای منطقه مبنی بر توسعه طلبی رژیم اشغالگر قدس و عدم اعتماد به آمریکا را ثابت کرد

به حرف ایران رسیدند

صفحات ۲ و ۷



هدف بعد: استانبول یا قاہرہ؟

مخالف خود در سراسر منطقه کشتند. تانیاهاو و کاتس
و یحناچه پس از حمله به قطر همدار دادند. زین پس
هیچ تحرک ضدصهیونیستی را در سراسر منطقه
نبرخوانند. تافت و در قامت پس منطقه، اقدام نظامی
لازم را در دستور کار قرار خواهند داد.

■ **پیامدهای انفعال و محکومیت لفظی حمله
صهیونیست‌ها به دوحه**

از شیخ تمیم بن حمد آل ثانی و دولت تحت امرش
به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای امنیتی -تجاری
ایالات متحده در جهان نام برده می‌شود. در سفر
اخیر ترامپ به منطقه، قراردادی ۱۲۰۰ میلیارد
دلاری جهت سرمایه‌گذاری قطر در آمریکا و تبدیل
آن به ایمن‌ترین به یکی از شرکای امریکایی اقتصادی
کاخ سفید بسته شد. هدیه چند صد میلیون دلاری
شیخ تمیم به ترامپ (هواپیمای بوئینگ ۷۴۷
تشریفاتی، تملک دوربین تمام رسانه‌های بین‌المللی
را به خود جلب کرده بود. با این اوصاف و برغم
استقرار بزرگ‌ترین پایگاه هوایی آمریکا در منطقه
در دوحه (پایگاه العدید، قتی سنخن از اسرائیل
و تعهد آهینج کاخ سفید به صهیونیست‌ها در میان
باشد، همه صهیونیستی را نمی‌توان برای قطر و دیگر
شیخ‌نشین‌های منطقه متصور شد. در مقطع کنونی ۲
سیاست می‌تواند در دستور کار دولتمردان قطری قرار
گیرد. اتخاذ سیاست مقتدرانه و عینی در برابر دشمن
صهیونیست یا استکفا به محکومیت لفظی این حادثه
که هر یک تبعات منحصر به فرد خود را خواهد داشت.
قلیل گتمان نیست که شیخ‌نشین‌های خلیج فارس در
کنار مصر، اردن، مراکش و ترکیه از دیرباز در زمره
متحدان کلیدی آمریکا در منطقه قرار داشته و به
دلیل همجواری با سرزمین اشغالی...

دفتر حماس در دوحه به منزله کشیش خط بطلانی
بر روند مذاکرات و امکان برقراری آتش‌بس در این
منطقه از برای می‌شود.

ب- ترور رهبران ملی حماس
مقاومت: ارتش صهیونیستی به موازات جنایات
در صریح در غزه و تخریب منازل فلسطینی‌ها،
همچنین ترور رهبران و فرماندهان نظامی حماس در
این باریکه، سیاست حذف رهبران حماس را خارج از
غزه را در دستور کار خود قرار داده تا با حذف عناصر
کلیدی مقاومت فلسطینی، زمینه استیصال، درمادگی
در تصمیم‌گیری و نه‌بابت فروپاشی حماس را رقم زند.
پ- تسلیم‌های جدید به تداوم حاکمات ارتش اسرائیل
در سرزمین اشغالی: اعتراضات علیه نخست‌ترور
اسرائیل در طول هفته‌های اخیر به اوج رسیده است.
شمار وسیعی از مخالفان ارتش تانکهای تاپویر اوگکدر
لیبراس، یائیر لاپید و بنی گانتس تظاهرات حضور و
برای بریکه قدرت را مترادف با زوال و تضعیف روزمره
حکومت صهیونیستی قلمداد کرده‌اند. از همین رو
قابل تصور است تانکهای با صدور دستور حمله به قطر
ضمن بحران‌سازی جدید در منطقه و ترسیم فضای
آمنیتی در سرزمین اشغالی (جهت توجیه حضور
در قدرت)، بر آن بوده تا ترور رهبران ارتش حماس،
آن را به عنوان موفقیتی که سابقه به ساکنان سرزمین
اشغالی عرضه کند.

ث- عرضه ژوند صهیونیستی به عنوان ژاندارم،
منطقه: آنچنان که ابتدایی نوشتار به آن اشاره شد،
رژیم صهیونیستی دکتر بن‌نظمی تهاجمی جدیدی
را سرلوحه کار خود قرار داده است. بر مبنای دکترین
یادشده صهیونیست‌ها مجازند در هر زمان و مکان،
بدون آن بین‌المللی و رعایت موازین حقوقی، مبادرت
در سرک‌های خود داشته باشند.

سوی دولت صهیونیستی جهت اتخاذ تصمیم محکم به دو حجه شده است؛ محافل خاصی که بخش اعظم آن ریشه در کترین نظامی متحول شده تل اویو در پسا ۷۰ اکتر بد داشتن و بخش مهم دیگر آن به سیاست انفعال و ضعف صادره از سوی رژیم های مترجع عرب و قبال سیاست های تهاجمی ارتش صهیونیستی در بزرگه غزه، کرانه باختری و حملات پی به دولت همسوی دو حجه در دمشق بازمی گردد.

بر مبنای یک توافق نانوشتیه میان قطر، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده و به منظور کاهش نفوذ تهران بر جنبش حماس، طرفین سال ها پیش موافقت کردند حماس میادیر به تاسیس ففتری در دو حجه کند. به زعم مقامات کاخ سفید، روابط حسنه دو حجه با واشنگتن، نقشی بسزا در تعدیل دیدگاههای حماس و مسیر سازش ایں جنبش از تهران و نهایتا هموار سازی فاسر سارشی میان فلسطینی ها و صهیونیست ها ایا می کرد؛ توافقی که در حمله اخیر به دو حجه، اعتبارش به سر آمد. ناظران منطقه درباره چرایی پذیرش چنین ریسک بزرگی از سوی صهیونیست ها که می تواند به تخریب فزاینده مناسبات دو حجه های عرب با دولت صهیونیستی منتهی شود، اذله ذیل را شرح دادند.

الف - مانعت از آتش بس در غزه و پیشبرد سیاست اشغال ایں باریکه: از حکومت اذله تالی به عنوان مهم ترین عنصر میانجی در روابط حماس با دولت های آمریکا و رژیم صهیونیستی در خلال ماههای اخیر نام برده می شود. دولت قطر کرارا کوششید با جرح و تعدیل مواضع حماس و صهیونیست ها، زمینه نزدیکی دیدگاههای طرفین برای برقراری آتش بس را فراهم آورد. با ایں حال بی میلی باند راست گرای حاکم بر سرزمین اشغالی و فشاری بر اشغال کامل

حمله به دوحه اگر چه موجبات بهت و بیخوشی‌های خلیج فارس را فراهم آورده، لیکن تحلیلگران منطقه‌ای با نظاره بر سیاست‌های مخرب صهیونیست‌ها در منطقه در ماه‌های اخیر و پشت پا زدن به تمام موازین بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر در باریکه غزه، پیش‌تر نسبت به آن هشدار داده بودند. حالات گندیده‌های صهیونیستی به دولت دست‌نشانده دولتی در سوریه، به وضوح بین‌المللیات زیاده‌خواهانه راست‌گرایان حاکم بر تل‌آویو است. امری که قطر هم در پی بازودمان دیکتاتورهای عربی - اسلامی آنزب خواهد گرفت. با وجود اظهارات رهبران کاخ سفید مبنی بر بی‌اطلاعی آنان از برنامه تل‌آویو برای حمله به دفتر رهبری حماس و تقبیح ظاهری اقدام اسرائیل و وعده تخریب محفل بر عدم تکرار چنین اقداماتی، اصرار برخی مسئولین امریکایی درباره عدم آشنایی واشنگتن از چنین واقعه خطیری، بیشتر به نوعی تغافل و خواب‌زدگی عمدی مشابیهت دارد تا بیان واقعیت، کما اینکه شماری از ناظران و تحلیلگران صهیونیستی، تائید پشت پرده ترامپ - نتانیاهو برای عملیاتی‌سازی برنامه ترور رهبران حماس در دوحه سخن به میان آورده‌اند.

رمزگشایی از اهداف حمله به دفتر حماس حمله به دوحه مهم‌ترین هدف ترور در مناسبت رژیم صهیونیستی با پادشاهی‌های محافظه‌کار عرب در طول ۳ دهه اخیر و پس از پیمان وادی عربی در سال ۱۹۹۴ محسوب می‌شود. تارشی تاکم صهیونیست‌هایباری ترور خالد مشعل در سپتامبر ۱۹۹۷ و تبعات سیاسی وخیم آن برای تل‌آویو و ارسال قوری پادزهر به امان جهت درمان مشعل و ممانعت از خشم دینداران عرب،

یادداشت
ابوالفضل ولایتی

حمله موشکی جنگنده‌های صهیونیستی به دفتر سازمان حماس در دوحه را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ روابط اعراب و رژیم صهیونیستی قلمداد کرد؛ حملاتی تهاجمی و گستاخانه که ریشه در سیاست‌های پاناسیونالیسم و ماجراجویانه تن‌ناهار در پسا ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دارد. نخست‌وزیر رژیم اشغالگر، فردای ۷ اکتبر از ضرورت تحول در موازنه قوا و دگرگونی نظم در خاورمیانه سخن به میان آورد؛ اظهاراتی که در عرصه عملیاتی‌تر، زمینه‌ساز صهیونیست‌ها از سیاست‌تسلطی به سازش با کشورهای پیرامونی ذیل پیمان آبراهام با توسل به سلاح و شست‌وآهنی جهت تحمیل صلح مدنظر به کشورهای منطقه را فراهم آورد؛ دگرگونی که در آن، تل‌آویو با مبدل شدن به ژاندارم منطقه، در پی تحمیل مصالح خویش به تمام کشورهای عربی - اسلامی گام برداشته است. بدون تردید قدرت‌گیری نوح‌حافظه‌گراان در کاخ سفید و نمایان‌انجیلی - صهیونیست‌ان، نقشی بسزرا در سیاست‌های جنگ‌افروانه ارتش صهیونیستی ایفا کرده است.

انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس و پذیرش اول‌حاکمیت صهیونیست‌ها بر جولان اشغالی در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ و رد ایده ۲ دولتی، تاکید بر تعلق کرانه باختری (نچیزه آمریکایی‌ها به یهودا و سامره می‌نامند) به سرزمین اشغالی و پافشاری بر گزاره کوچ اجباری ساکنان غزه و تبدیل این باریکه به زیورجیای مدنظر ترامپ در ماه‌های ابتدایی دوره دوم ریاست جمهوری‌اش، آنچنان تن‌ناهارها را شش و داشتند که دست خود را برای اتخاذ هر گونه

حتی غز و بخشی از آن تلاش‌ها بود. حمله اسرائیل
 این تصویر را خدشدار کرده و حمله اکنون با نیاز
 فوری به «جبران حیثیت» مواجه است. مقامات
 قطری نشانه‌هایی از تمایل به پاسخ‌گویی نشان
 داده‌اند و گزارش‌ها حاکی از آن است برای طراحی
 پاسخی نمایان و محدود، با ایالات متحده وارد
 مذاکره شده‌اند. قطر روشن است: نشان دادن
 اینکه حاکمیت و اعتبارش قابل خشنه نیست، اما این
 مسیر با بانعی جدی روبه‌رو است و آتشگتن بشت با
 هر گونه پاسخ نظامی این نمایان می‌خلاف است؛ زیرا
 بیم از رافارودن در همین اقامتی است که چرخه درگیری
 تازه را زارافزودن در همین راستا مقامات سه‌پوینست
 نیز تهدید کرده‌اند هر حمله محدود از سوی قطر را
 «شدید» پاسخ خواهند داد. این موضع عملا دست
 خود را برای واکنش فوری نظامی می‌بندد.

■ جایگاه قطر به عنوان منطقه امن

بخش مهمی از شوک منطقه‌ای نسبت به این
 حمله ناشی از جایگاه خاص قطر است. این کشور
 کوچک طی دهه‌های گذشته به یک «منطقه
 بی‌طرف» و میزبان امن برای گروه‌های مختلف
 تبدیل شده بود. حضور دفتر طالبان در دوحه،
 مذاکرات حماس و فتح و حتی میزبانی نشست‌های
 بین‌المللی پیرامون ایران و سوریه نشان‌دهنده این
 جایگاه بود. حمله به چنین کشوری نه تنها ساختار
 امنیتی خلیج فارس را دچار اختلال می‌کند، بلکه
 پیامدهای روانی - سیاسی سنگینی دارد، اگر حتی
 قطر به عنوان کشوری امن و بی‌طرف هدف قرار
 گیرد، آیا دیگر کشوری در منطقه می‌تواند خود
 را مصون بداند؟ همین پرسش‌ها شبیه سبب است
 کشور‌های عرب با نگرانی اوضاع را دنبال کنند.

ادامه در صفحه ۴